

بررسی اثربخشی خانواده‌درمانی ساختاری در بهبود عملکرد خانواده و تقویت رضایت زناشویی در خانواده‌های کودکان مبتلا به اختلال اضطراب جدایی

دکتر رقیه موسوی*، دکتر علیرضا مرادی**، دکتر سید اسماعیل مهدوی هرسینی***

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی رویکرد خانواده‌درمانی ساختاری در کاهش تعارضات زناشویی و والدینی، افزایش رضایت زناشویی و بهبود عملکرد خانواده کودکان مبتلا به اختلال اضطراب جدایی انجام شد. جامعه پژوهش شامل خانواده‌های دارای اختلال عملکرد و فرزند مبتلا به اختلال اضطراب جدایی و نمونه شامل ۳۸ خانواده با حداقل یک فرزند مبتلا به اختلال اضطراب جدایی با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. از روش تحقیق شبه‌تجربی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل و اندازه‌گیری مکرر استفاده شد. نمونه‌ها به دو گروه آزمایشی (خانواده‌های کم‌سواد و باسواد) و دو گروه کنترل با ترکیب مشابه (جمعاً ۴ گروه) تقسیم شدند. خانواده‌های گروه‌های آزمایشی، با حضور کلیه اعضای خانواده، طی ۹ جلسه در معرض مداخلات درمانی با طرح درمانی یکسان قرار گرفتند. شش هفته پس از آخرین جلسه درمان نیز در یک جلسه پی‌گیری شرکت نمودند. برنامه مداخله‌ای از پیش طراحی شده به گروه‌های آزمایشی ارائه و نتایج اثرات مداخله با گروه کنترل در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پی‌گیری مورد مقایسه قرار گرفت. ابزارهای این پژوهش شامل مقیاس ارزیابی عملکرد خانواده، پرسشنامه رضامندی زناشویی انریچ و مصاحبه بالینی بود. از روش‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و همچنین آمار استنباطی (تکرار سنجش و روش تعقیبی توکی) برای مقایسه میانگین‌ها استفاده شد. نتایج حاکی از اثربخشی خانواده‌درمانی ساختاری در تقویت رضایت زناشویی و بهبود عملکرد خانواده در سطح $(p < 0/001)$ بود. ولی تفاوت بین گروه‌های باسواد و کم‌سواد معنی‌دار نبود.

کلیدواژه‌ها: خانواده‌درمانی ساختاری، رضایت زناشویی، بهبود عملکرد خانواده.

* عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد

** عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم

*** عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

بررسی اثربخشی آموزش گروهی بانوان و آموزش مکاتبه‌ای همسران آنها به شیوه شناختی - رفتاری بر رضایت زناشویی

زهرا طغیانی*، دکتر مهرداد کلانتری**، دکتر حمیدطاهر نشاط‌دوست***

چکیده:

این پژوهش به بررسی اثربخشی آموزش گروهی بانوان و آموزش مکاتبه‌ای همسران آنها به شیوه شناختی رفتاری بر میزان رضایت زناشویی می‌پردازد. نوع تحقیق، نیمه‌تجربی همراه با پیش‌آزمون، پس‌آزمون و مرحله پی‌گیری با گروه گواه است. نمونه مورد پژوهش شامل ۲۸ زوج از بین والدین دانش‌آموزان دبستانی شهر اصفهان می‌باشد که براساس نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب و به‌طور تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه قرار گرفتند. ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ است. بانوان گروه آزمایش ۸ جلسه دو ساعته برنامه آموزش گروهی شناختی - رفتاری دریافت نمودند و همسران ایشان نیز به شیوه مکاتبه‌ای در برنامه آموزشی شرکت کردند و گام‌به‌گام همراه با همسران خود آموزش‌های شناختی - رفتاری دریافت نمودند. نتایج تحلیل واریانس نشان داد که آموزش گروهی بانوان همراه با آموزش مکاتبه‌ای همسران آنها به روش شناختی - رفتاری، رضایت زناشویی گروه آزمایش را نسبت به گروه گواه افزایش داده است، به‌گونه‌ای که ۳۶٪ واریانس نمرات رضایت زناشویی زنان و ۳۵٪ واریانس نمرات زناشویی مردان مربوط به عضویت گروهی بود ($P < 0/01$). همچنین نتایج نشان داد که این اثربخشی در مرحله پی‌گیری حفظ شده است ($P < 0/001$).

کلیدواژه‌ها: آموزش گروهی شناختی - رفتاری، آموزش مکاتبه‌ای، رضایت زناشویی.

* کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی

** استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

*** دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

بررسی اثر آموزش توجه شنیداری - موسیقایی بر میزان گوش دادن فعال و الگوهای ارتباطی زوجین

حسین محمودی، دکتر نسترن ادیبراد^{***}، دکتر زاده محمدی^{***}

چکیده:

در این پژوهش اثر آموزش توجه شنیداری بر میزان گوش دادن فعال و الگوهای ارتباطی زوجین در بین دانشجویان متأهل دانشگاه شهید بهشتی بررسی شد. نمونه پژوهش شامل ۴۰ نفر (۲۰ زوج) بود که از طریق آگهی برای شرکت در این تحقیق داوطلب شدند. به روش جایگزینی تصادفی در دو گروه آموزشی و کنترل ۲۰ نفره (۱۰ زوج) قرار گرفتند. آموزش توجه و گوش دادن فعال به ساختارهای موسیقی شامل ریتم، ملودی، ارکستراسیون و هارمونی به عنوان روش مداخله به کار برده شد. دو پرسشنامه الگوهای ارتباطی و مهارت‌های شنیداری به عنوان ابزارهای تحقیق مورد استفاده قرار گرفتند. نتایج آزمون t مستقل بر روی تفاضل نمره‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون در گروه کنترل و آزمایش نشان داد، بین دو گروه، تفاوت معناداری در سطح $p < 0.05$ وجود دارد. با این توضیح که آموزش توجه شنیداری - موسیقایی در کاهش موانع شنیداری، افزایش مهارت‌های شنیداری و بهبود الگوهای ارتباطی، مؤثرتر و کارآمدتر است. عامل جنسیت در توجه شنیداری - موسیقایی تأثیر معناداری نداشت.

کلیدواژه‌ها: گوش دادن فعال، الگوهای ارتباطی، آموزش توجه شنیداری - موسیقایی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد مشاور خانواده دانشگاه شهید بهشتی

** استادیار گروه مشاوره دانشگاه شهید بهشتی

*** استادیار پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

توانمندسازی زنان سرپرست خانواده از طریق مشاوره گروهی، آگاه‌سازی و کارآفرینی

شهناز طباطبایی یحیی‌آبادی^{*}، سیمین حسینیان^{**}

چکیده:

در این پژوهش به بررسی اثرات آموزش‌های آگاه‌سازی (فردی و شغلی)، کارآفرینی و مشاوره گروهی بر عزت‌نفس و گرایش‌های کارآفرینی زنان سرپرست خانواده شهر تهران پرداخته می‌شود. نمونه مورد پژوهش ۱۹۳ نفر از زنان ۵۸ - ۱۸ ساله بودند که از مجتمع‌های واقع در دو منطقه شرق و غرب بهزیستی شهرستان تهران، کمیته امداد امام خمینی (ره) در منطقه شرق و یک سازمان غیردولتی زنان تحت عنوان «کانون مهر» در منطقه غرب تهران به‌طور تصادفی انتخاب شدند. مشاوره گروهی، هفته‌ای دو جلسه (هر جلسه به مدت ۲ ساعت و جمعاً ۳۲ ساعت در طی مدت ۲ ماه) برای هر یک از گروه‌های نمونه انجام شد. چهار گروه نمونه هر یک به مدت ۷۰ ساعت و جمعاً ۲۸۰ ساعت تحت آموزش‌های آگاه‌سازی و کارآفرینی، قرار گرفتند. یک هفته بعد از آخرین جلسه آموزش آگاه‌سازی (فردی و شغلی) و کارآفرینی، پس‌آزمون برای هر چهار گروه اجرا شد. ابزار استفاده شده در پژوهش، پرسشنامه اطلاعات فردی و شغلی، پرسشنامه عزت‌نفس کوپراسمیت و پرسشنامه ارزیابی کارآفرینی بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده از روش‌های آمار توصیفی، میانگین و انحراف معیار و نیز آمار استنباطی، t استیودنت گروه‌های هم‌بسته و MANOVA استفاده شد. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که برنامه مشاوره گروهی بر عزت‌نفس زنان سرپرست خانوار (بی‌سرپرست و بدسرپرست) تأثیر دارد. همچنین برنامه‌های آموزشی آگاه‌سازی (فردی و شغلی) و کارآفرینی بر عزت‌نفس و گرایش‌های کارآفرینی زنان سرپرست‌خانواده مؤثر است.

کلیدواژه‌ها: توانمندسازی^۱، مشاوره گروهی^۲، آگاه‌سازی (فردی، شغلی)^۳، کارآفرینی^۴، عزت‌نفس^۵، زنان سرپرست‌خانوار^۶.

^{*} دکتری روان‌شناسی وزارت کار و امور اجتماعی
^{**} دکتری مشاوره، عضو هیأت علمی گروه روان‌شناسی دانشگاه الزهرا

ارتباط تفکرات غیرمنطقی و الگوهای دلبستگی با سازگاری زناشویی

فرید مؤمن زاده^{*}، دکتر محمدعلی مظاهری^{**}، محمود حیدری^{***}

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط تفکرات غیرمنطقی و الگوهای دلبستگی با سازگاری زناشویی انجام گرفته است. فرضیه اصلی پژوهش این است که بین تفکرات غیرمنطقی و الگوهای دلبستگی با سازگاری زناشویی ارتباط معناداری وجود دارد. ۱۰۰ زوج (۲۰۰ نفر) به‌عنوان گروه نمونه از چهار منطقه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی شهر مشهد با روش نمونه‌برداری غیراحتمالی در دسترس انتخاب شدند. کلیه شرکت‌کنندگان، آزمون تفکرات غیرمنطقی (برگرفته از نظریه ایس)، پرسشنامه الگوهای دلبستگی بزرگسال (هزن و شیور) و آزمون سازگاری زناشویی (لاک و والاس) را تکمیل کردند. تحلیل نتایج نشان داد که به‌جز تفکرهای «عدم کنترل هیجانات» و «کمال‌طلبی»، رابطه منفی معناداری بین تفکرات غیرمنطقی و سازگاری زناشویی وجود دارد. همچنین بین الگوهای دلبستگی و سازگاری زناشویی روابط معناداری بدست آمد. از یافته‌های بدیع این پژوهش وجود تفاوت معنادار بین برخی از انواع تفکرات غیرمنطقی در الگوهای مختلف دلبستگی زوج‌هاست. تفسیر و تبیین نتایج، به بررسی نقش و چگونگی تأثیر باورها، نگرش‌ها و تفکرات در سازگاری زناشویی زوج‌ها می‌پردازد و نیز تأثیر الگوهای دلبستگی در کیفیت و سطح روابط زناشویی - سازگارانه و ناسازگارانه - می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: تفکرات غیرمنطقی، الگوهای دلبستگی بزرگسالان، سازگاری زناشویی، ایس.

* کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه شهید بهشتی

email: m-mazaheri@sbu.ac.ir

** دانشیار پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، «تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده»

*** عضو هیأت علمی پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

هوش هیجانی و سازگاری زناشویی در زنان متأهل شاغل آموزش و پرورش

حمیده جعفریزدی، محمود گلزاری**

چکیده:

به منظور بررسی رابطه هوش هیجانی با سازگاری زناشویی در زنان متأهل شاغل در آموزش و پرورش تهران، ۱۰۹ نفر به صورت نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای از مناطق (۵، ۷، ۱۳) آموزش و پرورش تهران انتخاب شدند. با استفاده از پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن (۱۹۸۰) و مقیاس سازگاری زناشویی اسپانیر (۱۹۷۱) در طرح مطالعه مقطعی مورد ارزیابی قرار گرفتند. برای بررسی داده‌ها از روش ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل یافته‌ها نشان داد که بین هوش هیجانی با سازگاری زناشویی رابطه مثبت ($r=0/42$) وجود دارد. همچنین بین مؤلفه‌های هوش هیجانی و سازگاری زناشویی نیز رابطه مثبت وجود دارد. براساس نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره به شیوه گام‌به‌گام می‌توان مؤلفه هوش هیجانی خلق کلی و هوش هیجانی بین‌فردی را به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین برای سازگاری زناشویی زنان تلقی کرد ($r^2=0/43$). به‌عبارتی زنانی که توانایی تشخیص و ابراز هیجان‌های خود و تشخیص هیجان‌های دیگران را دارند و نیز دارای خصوصیتی چون خوش‌بینی، شادکامی، توانایی حل مسئله، کنترل تکانه، خودشکوفایی، استقلال و همدلی هستند، در زندگی زناشویی خود از سازگاری بیشتری برخوردارند.

کلیدواژه‌ها: هوش هیجانی، سازگاری زناشویی، زنان، آموزش و پرورش.

* کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه پیام نور
** دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی

سبک‌های دلبستگی و شیوه همسرگزینی (چندهمسری - تک‌همسری)

دکتر مسعود عارف‌نظری*، دکتر محمدعلی مظاهری**

چکیده:

به‌منظور بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی و شیوه همسرگزینی (تک‌همسری - چندهمسری) نمونه‌ای شامل ۲۴۵ مرد متأهل انتخاب‌گردید. از این میان ۴۵ آزمودنی چندهمسر و ۲۰۰ آزمودنی تک‌همسر در نظر گرفته شد. پیش از این، رابطه بین سبک‌های دلبستگی و الگوهای رفتاری بزرگسالان، علی‌الخصوص نقش تأثیرگذار آن بر روابط عاشقانه و سازگاری زناشویی در پژوهش‌های زیادی گزارش شده بود. در پژوهش حاضر ملاک چندهمسری براساس تاریخچه زندگی زناشویی و سبک‌های دلبستگی نیز براساس آزمون سبک‌های دلبستگی بزرگسالان هزن و شیور (۱۹۸۷) مشخص شد. سپس از طریق آزمون خی‌دو بر تفاوت معنادار میان سبک‌های دلبستگی در مردان چندهمسر و تک‌همسر تأکید شد. نتایج، حاکی از رایج‌تر بودن سبک دلبسته ایمن در هر دو گروه تک‌همسر ۷۵٪ و چندهمسر ۶۵٪ بود. لذا با توجه به یافته‌های پژوهش، سبک‌های دلبستگی نایمن نمی‌توانند عامل تعدد زوجین افراد باشند. این رفتار با الگوی دلبستگی ایمن، ارتباط بیشتری را نشان می‌دهد.

به‌نظر می‌رسد اساس تکامل‌شناختی رفتارهای همسرگزینی به‌گونه‌ای در متن جوامع مختلف خود را حفظ نموده است که تعاریف فرهنگی و قوانین موضوعه نتوانسته تغییر چندانی در آن ایجاد نماید. از این‌رو رفتار چندهمسری چه به شکل قانونمند آن و چه به شکل روابط برون‌زناشویی در جوامع مختلف مشاهده می‌شود. با توجه به استفاده نظریه دلبستگی از نظریات کردارشناسی و روان‌شناسی تکاملی، طبیعی به‌نظر می‌رسد که رفتار چندهمسری دست‌کم از این نقطه‌نظر رفتاری بهنجار و بدون عوامل زمینه‌ساز روان آسیب‌شناختی باشد.

کلیدواژه‌ها: دلبستگی - چندهمسری - روان‌شناسی تکاملی

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی رودهن

** دانشیار پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، «تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده»

The Relationship Between attachment Styles and the Kind of Marriage (Polygamy-Monogamy)

; M. A. Mazaheri, Ph.D.; M. Aref Nazary, Ph.D*

This paper examines relationship between attachment styles and polygamy using a sample of 245 married men. Previous research indicates a relationship between attachment styles and adult behavioral patterns, especially in romantic relationships and marital adjustment.

According to each person's marital history, monogamous and polygamous subjects were identified Using Hazan and Shaver's adult attachment Styles, and their attachment styles were determined. The results of the Null hypothesis test indicate that a meaningful relationship can not be found between attachment styles and polygamy. The X^2 test indicates that secure attachment style is common in both groups (monogamous %75 and polygamous %65). Based on the findings of the research, insecure attachment styles can not represent polygamy and this type of behavior shows a stronger relationship with secure attachment patterns. It seems that the evolutionary basis of mating behavior has preserved itself in the context of each society, unaffected by cultural definitions, rules and regulations. Consequently polygamous behavior (either in it's legal form or as an extra marital relationship) exists in many societies. Since attachment theory benefits from Evolutionary Psychology and etiology, it seems natural that, at least from this particular point of view, polygamous behavior should be considered normal and free of psychopathologic factors.

Keywords: Attachment Style, Polymy.

*Assistant professor, Azad University.

** Associate Professor, family research Institute, Shahid Beheshti University.

The Relationship Between Emotional Intelligence and Marital Adjustment Among Female Teachers in Tehran

F. Jafar Yazdi, MS.c, M. Golzary, Ph.D. ***

Marital adjustment has long been a critical issue to be addressed by decision makers. Research suggest that various emotional-related abilities are important for a happy long-term marriage. These abilities include the accurate perception and identification of emotion, the clear expression of emotions (especially positive ones), and mutual understanding , and effective emotion regulation. It could be argued that all these abilities are potentially involved in emotional intelligence (Ciarrochi, Forgas, Mayer, 2001). The present study was aimed to investigate the relationship between emotional intelligence and marital adjustment among married female teachers in Tehran.

Participants (N=109) randomly selected from all school levels. Then Emotional Quotient Inventory (Bar-On,1980) and Dyadic Adjustment Scale (Spanier,1971) were administred to all participants. Analysis of data (Pearson correlation and linear stepwise regression) indicated a significant relationship between emotional intelligece and marital adjustment (0.42). Linear stepwise regression revealed that general mood factor (happiness and optimism) at step 1 and interpersonal factor at step could significantly predict marital adjustment.

Key words: Emotional Intelligence, Marital Adjustment, Female, Teachers.

* Psychologist.

** Associate Professor of Allameh tabatabaei University.

Relationship Between Irrational Beliefs, Attachment Styles and Marital Adjustment

F. Momenzadeh, MSc.; M. A. Mazaheri, Ph.D.**; M. Heydari, MSc.****

Beliefs, ideas and thought have a strong effect on interpersonal relationships, specially couple relationships. Adult attachment styles also control marriage relationship either adjustment or maladjustment. This study investigates relations between irrational beliefs, attachment styles and marital adjustment. The major hypothesis in this research is that there is a significant relation between irrational beliefs and attachment styles in one hand and marital adjustment in couples on the other hand.

One hundred couples in Mashad city were chosen from four different socio-economic regions of the city. Assessment Test of irrational Belief (structure according to the Ellis Theory, 1992), Adult Attachment Styles Scale (Hazan & shaver, 1987) and Marital Adjustment Test) Locke & Wallace, 1959) were Completed by participants.

Analysis of results show that there is a significant relation between irrational beliefs (except lack of emotion control and perfectionism) and marital adjustment and also between attachment styles and marital adjustment moreover, in various types of attachment styles, there were significant differences between beliefs of “excessive expectations”, “disappointment reaction”, “anxious worry”, “avoidance of difficulties”, “feeling hopelessness to changing the self” and “perfectionism”. Discussion is mainly focused on this issues that irrational belief and attachment styles is relation with marital adjustment. So Belief, ideas, thought and type of adult attachment styles have a strong associations with marital adjustment.

Keywords: Irrational beliefs, Adult attachment styles, Marital adjustment.

* Psychologist.

** Assistant professor.

*** Psychologist Academic staff, family research institute.

Head House Holder Women Empowerment Through Group Counselling, Awareness and Entrepreneurship

Sh. Tabatabaei Yahya Abadi, Ph.D.; S. Hossainian, Ph.D**.*

This article is going to study the effects of Individual and occupational awareness and entrepreneurship training programs on self-esteem and entrepreneurial trends of head house holder women in Tehran. Participants were 193 head house holder women, 18-58 years old selected randomly from four women centers in Tehran. Two centers were supported by Tehran Welfare Organization in East and west districts, one helped by Imam Khomeini Relief Committee, and another one was affiliated to Mehr Women's NGO.

Three questionnaires were given to a total number of 193 head house holder (81 women from East Welfare Center; 43 from West Welfare Center; 35 women from Relief Committee; and 34 from Mehr Women's NGO). The instruments used in this study were Personal & Occupational Information Questionnaire; Coopersmith's Self-Esteem Inventory; and Entrepreneurship Evaluation Questionnaire. In general, four sample groups participated in awareness and entrepreneurship training programs for 280 hours (70 hours for each group). Design of the study was semi-experimental without control group. One week after the final session, post-test was given to all groups. Hypotheses of the study were: individual and occupational awareness and entrepreneurship training programs are effective on self-esteem and entrepreneurial trends of women; and there is relationship between self-esteem and entrepreneurial trends of women. In order to analyze the data descriptive statistics, such as mean, standard deviation; and inferential statistics including t-test, regression were employed.

The results of the study indicate that, individual and occupational awareness and entrepreneurship training programs are effective on self-esteem and entrepreneurial trends of head house holder women. Also, there is positive and significant relationship between self-esteem and entrepreneurial trends of women.

Finally, it was suggested that individual and occupational awareness and entrepreneurship training programs are in need to encourage women to enter to the labor market.

Keywords: Individual and Occupational Awareness; Entrepreneurship; Self-esteem; Entrepreneurial Trends; Head House Holder Women.

*Psychologist of Ministry of Labour and Social Affairs.

** Associate professor, psychology dep. Alzahra University.

The Effect of Listening – Musical Attention Education on the Amount of Active Listening and Communication Patterns of Couples

H. Mahmoudi, M. Sc ; N. Adib Rad, Ph.D.** ; A. Zadeh Mohammadi, Ph.D.****

The study investigates the effect of listening attention education on the amount of active listening and communication patterns of couples among married students of Shahid Beheshti University. A sample of (20 couples volunteered to participate in this research through announcement and were located randomly in educational and control group with 10 couples in each. Educating attention and active listening to musical structures including rhythm, melody, orchestration and harmony has been applied as experimental method. tow questionnaires, communication patterns and listening skills, were empolyed. T-test results of pretest and posttest revealed that there is a significant difference ($p < 0/05$) between groups. Gender has been considered as control variant. Furthermore comparative study of experimental groups and control that listening – musical attention education is more efficient and effective in reducing listening problems and increasing the listening skills, improving the communication patterns.

Keywords: Active Listening, Communication Patterns, Listening-Musical Attention Education.

* Student of guidance and counsellenig, Shahid Beheshti University.

** Assistant Professor of guidance and counseling, Shahid Beheshti University.

*** Assistant Professor, family research institute; Shahid Beheshti University.

The efficacy of women cognitive-behavioral group training and manual based training of their spouses on marital satisfaction

Z. Toghiani, MSc.; M. Kalantari, Ph.D. **; H.T. Neshatdoost, Ph.D.****

The purpose of this study was to investigate the effect of cognitive-behavioral group training and manual based training on marital satisfaction of wives and husbands respectively. The experimental design with pretest, posttest and follow-up was used.

The questionnaires were consisted of ENRICH questionnaire and demographic questionnaire. The sample included 28 parents of elementary school children in Isfahan, Iran. Who were selected through cluster sampling. Subjects were randomly assigned to the experimental and control groups. Women in the experimental group received eight sessions of cognitive-behavioral training and their spouses received manual based training.

Results of analysis of covariance showed that cognitive-behavioral training, joint with manual based training, increased marital satisfaction in the experimental group compared with the control group. Thirty seven percent of the variance of the marital satisfaction scores were related to the group assignment ($P < 0/01$). The effects of Cognitive-behavioral training were also the follow-up ($P < 0/01$).

Keywords: cognitive-behavioral group training, manual based training, marital satisfaction.

*Psychologist.

** Assistant professor, psychology dep. Isfahan University.

*** Associate professor, psychology dep. Isfahan University.

The Effect of the Structural Family Therapy to Increase Marital Satisfaction and family Performance of Children with Separation Anxiety

Dr. R. Mosavi, Ph.D.; Dr. A. R. Moradi, Ph.D.;** Dr. E. Mahdavi Harsini, Ph.D.****

The main aim of the present research is to investigate the effect of the structural family therapy approach (according to Minuchin theory) to increase marital satisfaction and recovery of family performance with at least one child who suffer from the separation anxiety disorder (SAD) who participated in this study. All families were randomly divided in two main groups including experimental and control groups. According to the level of the family education experimental and control groups were divided in two subgroups including high educated and low educated families. A battery of the instruments which consist from Enrich Satisfaction Test and Family Performance Inventory (Mousavi et al. 2005) were used in pre, post and follow up stages across 4 sub-groups.

Two experimental sub-groups were received 10 sessions of the family intervention program, while control group were on the waiting list. SPSS and LISREL programs were used to analyze the data to get the descriptive statistics, analysis of repeated measures and Post hoc to compare the means.

The results showed no significant difference between two subgroups i.e. high educated and low educated sub-groups. The results also indicated a significant difference between two groups on the Enrich Family Satisfaction Test and Family Performance which means that the experimental group performed better than control group ($p < 0.001$). Significant difference was not found between two experimental sub-groups (i.e. high educated and low educated families). Therefore, this is distinguished that the structural family therapy approach is effective on increasing of marital satisfaction and recovery of family performance in mentioned families.

Keywords: Structural Family Therapy, Marital Satisfaction, children, separation Anxiety.

* Assistant professor, psychology dep. Shahed University.

** Associate professor, psychology dep. Tarbit Moalem University.

*** Assistant professor, counseling dep. Shahid Beheshti University.